

## تبیین سبک زندگی اسلامی (رضوی)؛ راهکارهایی در جهت تداوم آن در جامعه ایران\*

رضا حسین پور<sup>۱</sup>، آریتا بلالی اسکویی<sup>۲</sup>، محمدعلی کی نژاد<sup>۳</sup>

### چکیده

مفهوم سبک زندگی به رغم اهمیت کارکردگرایانه و وجه انضمامی آن، یکی از مهم‌ترین چهارچوب‌های تبیینی در مباحث جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی در دهه‌های اخیر بوده است. بر همین اساس نوشتار حاضر در پی یافتن امکان و زمینه‌های ارتقا، ژرف‌اندیشی و گسترش سبک زندگی دینی در جامعه ایرانی است. فرض اساسی نیز آن است که در جامعه ایرانی و متأثر از امواج مدرنیته، الگوهای مختلفی از سبک زندگی در کنار سبک‌های زندگی دینی و سنتی و میدان رقابت جدی (در زمینه فرهنگی و به ویژه برای شمولیت یافتن انواع سبک‌های زندگی) وجود دارد. بنابراین مسئله اصلی این پژوهش، بررسی میزان کفایت یا پاسخگویی الگوهای دینی سبک زندگی به نیازهای موجود و چگونگی انطباق آن با شرایط موجود است. در این راستا، سیره امام رضا<sup>ع</sup> به عنوان نمونه‌ای از سبک زندگی اسلامی، به علت قرار گرفتن شرایط زمانی زندگی آن حضرت در کانون زندگی ایرانیان، بیشتر مورد توجه است. پرسش‌های اصلی بیان شده عبارت‌اند از: ویژگی‌ها و ابعاد سبک زندگی دینی چیست؟ زمینه و عوامل استقرار، نفوذ و تداوم الگوی دینی (اسلامی) سبک زندگی در جامعه ایرانی چیست؟

در این نوشتار با تکیه بر بررسی میدانی، در طی پرسشنامه‌ای از میان جامعه استادان جامعه‌شناسی شهر تبریز به جمع آوری اطلاعات پرداخته شده و در پایان با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی مشکلات و موانع استقرار و تداوم سبک زندگی اسلامی (حیات طیبه) بررسی و راهبردهای پیشنهادی ارائه شده است؛ ابتدا این‌که به تنوع الگوهای سبک زندگی دینی توجه شود و همچنین به تلاش‌های احیایگران دینی در دوره‌های معاصر برای تحقق سبک زندگی اسلامی بیشتر در مراکز سیاست‌گذاری فرهنگی توجه شود.

**کلیدواژه‌ها:** سبک زندگی، اسلام، امام رضا<sup>ع</sup>، جامعه ایران، موانع و راهکارها

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۱/۲۴

x این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رضا حسین پور تحت عنوان واکاوی سبک زندگی ایرانی-اسلامی در معماری مسکن است که به راهنمایی دکتر آریتا بلالی اسکویی و دکتر محمدعلی کی‌نژاد در دانشگاه هنر اسلامی انجام شده است.

R.Hosseinpour@tabriziau.ac.ir

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه هنر اسلامی تبریز

A.oskoyi@tabrizu.ac.ir

۲. استادیار معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز (نویسنده مسئول)

ma\_kaynejad@tabriziau.ac.ir

۳. استاد دانشکده معماری دانشگاه صنعتی سهند

## مقدمه و بیان مسئله

سبک زندگی به عنوان مجموعه‌ای از الگوهای رفتار فردی و اجتماعی، برآمده از نظام معنایی متمایزی است که یک فرهنگ در یک جامعه انسانی ایجاد می‌کند. با این‌که "سبک زندگی" از دهه ۱۹۹۰ میلادی مورد اقبال بیشتری قرار گرفت؛ اما می‌توان گفت تمام اجتماعات انسانی، از ابتدای تاریخ تاکنون دارای سبک زندگی خاص خود بوده و از الگوهای رفتاری متناسب با شاخص‌های فرهنگی برخوردار بوده‌اند.

براساس چنین رویکردی، بحث از سبک زندگی و الگوهای نظام‌مند رفتاری، بحث تازه‌ای نیست و حتی در محافل و مجامع دانشگاهی نیز این مبحث در قالب موضوع‌های کلی‌تر مانند فرهنگ و تمدن، دارای قدمت طولانی است. با این توصیف، جای پرسش دارد که چرا اکنون سبک زندگی تا این حد اهمیت یافته و نیز توجه بسیاری را به خود جلب کرده است؟

واقعیت آن است که اقتضای زندگی جوامع مدرن و متکی بر فرهنگ و تمدن غربی، به تدریج الگوهای خاصی را برای زندگی و رفتار ارائه کرده است. به زعم اندیشمندان علوم اجتماعی، در یک قرن گذشته، شرایط جدید کار، تولید، انباشتگی کالاهای مصرفی و همچنین فراهم آمدن زمان فراغت بیشتر برای بخش زیادی از اقشار جامعه، نشانه‌ای از تحول عمیق اجتماعی و فرهنگی بوده است و شرایط نوین، الگوهای رفتاری تازه‌ای را در زمینه کار و فعالیت، مصرف و شیوه‌های گذران اوقات فراغت می‌طلبد که می‌توان آن‌ها را در قالب عنوان کلی سبک زندگی بررسی کرد. به همین دلیل، امروزه اصطلاح سبک زندگی در ادبیات علوم اجتماعی، پیوندی تنگاتنگ با مجموعه‌ای از مفاهیم مانند فرهنگ، جامعه، رفتار، اخلاق، عقیده، شخصیت، هویت، طبقه اجتماعی، سلیقه و نیاز دارد. حاصل این رویکرد نیز خواسته یا ناخواسته، تلاشی گسترده برای معرفی، ترویج و تثبیت سبک خاصی از زندگی خواهد بود که خاستگاه آن، فرهنگ غربی و عقبه معرفتی آن است.

سبک زندگی در نگاه کلی، به الگویی منحصر به فرد از ویژگی‌ها و عادت‌های رفتاری

انسان در زندگی روزمره و موقعیت‌های اجتماعی اشاره دارد. (134 - 136 : 1995 Giddens,

در سطح روان‌شناختی، سبک زندگی دربرگیرنده ترجیحات شخص در روش زندگی کردن و رجحان‌های افراد در انتخاب شیوه‌های زندگی است. در عین حال سبک زندگی، با پیش فرض‌ها و اصولی همراه است که به مهم‌ترین آن‌ها به عنوان چهارچوبی در طول تدوین این مقاله طرف توجه قرار می‌گیرد.

- اول این‌که، هرچند سبک زندگی ریشه در هویت شخصی و شیوه زندگی فرد دارد اما به دلیل روابط متقابل، مناسبات میان فردی و روابط اجتماعی، رفتار نهایی فرد نمی‌تواند بدون تأثیرپذیری از محیط پیرامون باشد.

- دوم این‌که، سبک زندگی در سطح فردی با نوع انتخاب و مصرف فرهنگی ویژه «من» به هنگام گذران اوقات فراغت، گوش دادن به موسیقی و نظایر آن سروکار دارد. اما سبک زندگی در سطح اجتماعی براین رفتار عمومی جامعه در مواردی مانند: نظم اجتماعی، رعایت محیط زیست، شرکت آدابمند در مراسم دینی و رفتارهای معطوف به حضور اجتماعی و همگانی است.

- سوم این‌که، سبک زندگی با رفتارها و تعاملات در حوزه خصوصی و عمومی بی‌ارتباط نیست. محتمل است افراد تحت تأثیر شرایط، موقعیت‌ها و محیط‌های متنوع رفتارهای مختلفی از خود نشان دهند. به عبارت دیگر، سرشت روابط میان فردی و روابط در گروه اجتماعی و رفتار در سطح اجتماعات چنین حکم می‌کند هر چند در این موارد انسان انتخابگر است و بر اساس باورها، نگرش‌ها و تمایلات خود می‌تواند به گونه‌ای دیگر رفتار کند. انسان‌ها با رعایت ملاحظات می‌توانند با سبک و شیوه‌های رفتاری خود به شرایط و موقعیت‌ها معنای دیگری ببخشند.

- چهارم این‌که، سبک زندگی در نزد فرد تا حدودی پایدار است، اما با تحول در زمینه‌ها و شرایط فرهنگی و اجتماعی، رجحان‌ها و نظام انتخاب و گزینش فردی تحت تأثیر قرار

می‌گیرد و به تدریج تغییر می‌یابد.

- پنجم این‌که، هرچند سه نهاد اساسی به نام خانواده و آموزش و دین دارای رقبای سرسختی شده‌اند و متغیرهای جدیدی بر کنش‌ها و واکنش‌های فرد مؤثرند، اما همچنان این سه نهاد در شکل‌گیری و تغییر سبک زندگی نقش قابل ملاحظه‌ای دارند.

- ششم این‌که ساخت و بافت فرهنگی و اجتماعی و قدرت سخت و نرم تمدنی و مدنی یک جامعه در سبک زندگی مردمان آن جامعه تأثیرگذار تلقی می‌شود.

فرایند پدیدآیی و عمومی شدن یک سبک زندگی از سطح فردی آغاز و به تدریج در سطح گروه‌های کوچک محلی، اجتماع ملی و یا اجتماع جهانی به عنوان یک واقعیت اجتماعی شکل می‌گیرد، شدت پیدا می‌کند و به کار گرفته می‌شود. طبق این تعریف سبک زندگی الگوی ذهنی و رفتاری پذیرفته شده توسط افراد جامعه است که می‌تواند به تدریج در مناسبات و تعاملات اجتماعی تقویت شود و قدرت هنجاری آن افزایش و شدت یابد، تا جایی که آن رفتار یا مجموعه‌ای از رفتارها در زندگی فرهنگی به گونه‌ای مورد استقبال واقع شود که بتوان آن را هنجار اجتماعی غالب نامید. بر همین اساس است که در دوره‌های خاصی همچون زمان حضور امام رضا<sup>(ع)</sup> در ایران سبک زندگی ایشان به دلیل گیرایی خاصش به تدریج فراگیر شده و تا جایی پیش رفت که خلیفه عباسی به دلیل ترس از استقبال بیش از حد مردم از امام رضا<sup>(ع)</sup>، ایشان را به شهادت رساند.

یکی از ابعاد زمینه مطالعاتی و پژوهشی سبک زندگی، معطوف به بررسی الگوها، مراجع یا انواع سبک‌های زندگی رایج است که معمولاً منجر به معرفی گونه‌های مختلف سبک زندگی یا سنخ‌شناسی الگوهای سبک زندگی در گروه‌ها و جوامع می‌شود. به عقیده صاحب‌نظران، سبک زندگی هر فرد و جامعه متأثر از نوع باورها (جهان‌بینی) و ارزش‌های حاکم بر آن فرد و جامعه است. مشخص است که جهان‌بینی مادی و ارزش‌های لذت‌گرایانه طبیعتاً سبک زندگی خاصی را پدید می‌آورند. همان‌طور که جهان‌بینی الهی و ارزش‌های کمال‌گرایانه و سعادت‌محورانه سبک خاصی از زندگی را شکل می‌دهند. (شریفی، ۱۳۹۱: ۳۴)

حال از آنجا که در جوامع گوناگون بحث از آیین و روش زندگی دینی مطرح بوده است و ادیان مختلف در طول تاریخ دستورالعمل‌های خاصی برای همه ابعاد زندگی انسان ارائه کرده‌اند و مدعی بوده‌اند که زندگی سالم و جامعه مطلوب در نتیجه پیروی از روش زندگی ارائه شده توسط آنان است. (رجب‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۲: ۹) پس می‌توان انتظار داشت که سبک زندگی اسلامی نیز از سبک‌های مهم و تاثیرگذار در زندگی افراد و در جوامع گوناگون است؛ به ویژه در عصر حاضر که کاستی‌های سبک زندگی غیردینی و مادی بر همگان روشن شده است. امروزه مفهوم "سبک زندگی اسلامی" مورد توجه بسیاری از صاحب‌نظران و پژوهشگران قرار گرفته است و اشاره به سبکی از زندگی دارد که منبع اصلی استخراج آن کتاب الهی است؛ به تعبیر علامه مجلسی زندگی اسلامی در زندگی قرآنی معنا می‌یابد. (خطیبی و ساجدی، ۱۳۹۲: ۱۴) در واقع، سبک زندگی اسلامی شیوه‌ای از زندگی بر مبنای عملی است که در جهت عمل به قوانین الهی انجام شود. در این سبک زندگی به آموزه‌های اسلامی و کلیت اسلام نگاه شده است و با زندگی افراد و تمام ابعاد آن مرتبط است. (کجباف و دیگران، ۱۳۹۰: ۶۲) در سبک زندگی اسلامی، زندگی انسان یک زندگی دنیا و آخرتی است؛ به این معنا که دنیا و آخرت را با هم و در کنار یکدیگر دارد، یکی مکمل دیگری و یکی فرضیه‌ساز دیگری است. (شریعتی، ۱۳۹۰: ۶) بنابراین مسائل و پرسش‌هایی درباره انواع الگوهای بومی (سستی) و مدرن سبک زندگی، تغییر الگوها و کم و کیف پاسخگویی الگوهای موجود یا در دسترس جامعه به نیازها و خواسته‌های گروه‌های مختلف سنی، جنسی و... مطرح است. در جامعه ایرانی نیز سبک‌های فراوان و متفاوتی از سبک زندگی وجود دارد که هر یک متأثر از الگوها یا مراجع مختلفی است. از جمله الگوهای مهم و نافذ که در زمره الگوی سستی قرار می‌گیرد، سبک زندگی دینی یا اسلامی است که به سبب قوت حضور دین در همه جوامع از جمله جامعه ایرانی و نقش منحصر به فرد دین در ثبات، نظم و حفظ ارکان اخلاق اجتماعی، جایگاه مهمی دارد. بنابراین توجه در این باره و اندیشیدن درباره امکان ارائه الگوی زیست مسلمانی یا به تعبیر دیگر "حیات

طیبه" در دنیای امروز ضرورت و اهمیت دارد. که در این مقاله سعی شده به دوران زندگی امام رضا(ع) در ایران توجه ویژه شود؛ چرا که قرار گرفتن ایشان در کانون زندگی ایرانیان می‌تواند الگوی مناسبی را در زمینه حیات طیبه به ایرانیان ارائه دهد.

در این میان از جمله پرسش‌های مهم بیان و بررسی شده در این مطالعه عبارت‌اند از:

- ویژگی‌ها و ابعاد سبک زندگی اسلامی (رضوی) چیست؟
- زمینه‌های اساسی استقرار، نفوذ و تداوم الگوی اسلامی (رضوی) سبک زندگی در جامعه ایرانی چیست و چگونه امکان‌پذیر است؟

#### پیشینه تحقیق

بسیاری از محققان به موضوع سبک زندگی اسلامی (رضوی) در چند سال اخیر، به ویژه پس از طرح آن از سوی مقام معظم رهبری، بسیار توجه کردند و پژوهش‌های فراوانی درباره آن انجام داده‌اند. این موضوع را هاشمی (۱۳۸۱) با عنوان "بررسی نمودهای عرفی شدن دین در سبک زندگی" بررسی و بر نقش مهم دین بر کنترل فرهنگ مصرف تأکید کرده است. همچنین امیری (۱۳۸۱) دریافت که با وجود نقش و نفوذ دین، بازاندیشی ناشی از مدرنیته، موجب انفعال یا همزیستی دین و سنت با مدرنیته و جهانی شدن را فراهم کرده است. محققان دیگری مانند قدیری (۱۳۸۱)، تجرد (۱۳۸۸)، گشنیزجانی (۱۳۸۱)، مجمع (۱۳۸۱)، حاجیانی (۱۳۸۱)، قزلسفلی (۱۳۸۱)، بهار (۱۳۸۸) نسبت دین و سبک زندگی را بررسی کرده‌اند. در واقع بیشتر تحقیق‌های موجود، به تأثیر دینداری بر سبک زندگی، سنخ‌شناسی سبک‌های زندگی در میان ایرانیان و تأثیر مدرنیته و سبک زندگی توجه کرده‌اند. در این میان باید به کوشش‌های نظری بعضی محققان ایرانی به ویژه فناپیان (۱۳۸۳) و ملکیان (۱۳۸۲) اشاره کرد که در پی ارائه برداشتی خاص از سبک زندگی دینی بود که ماهیت اخلاق‌محوری یا معنوی‌گرایانه داشته و از نظر آنان تحقق دینداری را در دوران مدرن ممکن می‌سازد. همچنین تلاش‌های جواد محدثی در تالیف "اخلاق تربیتی امام رضا"

و نیز یعقوبعلی عابدینی نژاد در تحقیق "سبک زندگی و شخصیت اخلاقی امام رضا" شایان ذکر است. بنابراین در تحقیق‌های تجربی، وجود توجه کافی به امکان‌سنجی سبک زندگی اسلامی (رضوی) با عطف توجه به واقعیت جاری جامعه ایران صورت نگرفته است؛ در این میان تلاش این نوشتار، در پی بررسی ابعاد سبک زندگی اسلامی و زمینه‌های استقرار و تداوم آن در جامعه معاصر ایران است که در تحقیق‌های صورت گرفته قبلی به آن توجه کافی صورت نگرفته است؛ جامعه ایران به دلیل امواج ناشی از مدرنیته در قرن اخیر (به خصوص پس از تجدد آمرانه رضا خان) دچار نوعی آشفتگی در زمینه سبک زندگی شده است، که نه می‌توان آن را سبک زندگی سنتی-اسلامی نامید و نه این‌که سبک زندگی مدرن بر آن نهاد. بر همین اساس سعی در بررسی چگونگی تداوم سبک زندگی اسلامی در میان جامعه ایرانی خواهیم داشت.

### روش تحقیق

در این نوشتار با تکیه بر ابزار مطالعات کتابخانه‌ای و نیز بررسی میدانی، در طی پرسشنامه‌ای با جامعه آماری شهر تبریز و نمونه ۳۰۰ نفری از میان جامعه استادان جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، روان‌شناسی محیطی، علوم دینی، معماری و شهرسازی شهر تبریز به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته شده است که با بسط نتایج پرسشنامه به جامعه مذهبی شهر تبریز زمینه‌های تاثیر سبک زندگی غربی بر جامعه ایرانی بررسی شده است. پس از آن با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی مشکلات و موانع استقرار و تداوم سبک زندگی اسلامی (حیات طیبه) مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و در نهایت به تبیین راهبردهایی در جهت تداوم مطلوب سبک زندگی اسلامی، در جامعه ایران، منجر شده است.

### سبک زندگی

سبک زندگی نظام‌واره و سیستم خاص زندگی است که به یک فرد، خانواده یا جامعه با

هویت خاص اختصاص دارد. این نظام‌واره هندسه کلی رفتار بیرونی و جوارحی است و افراد، خانواده‌ها و جوامع را از هم متمایز می‌کند. سبک زندگی را می‌توان مجموعه‌ای کم و بیش جامع و منسجم از عملکردهای روزمره یک فرد دانست که نه فقط نیازهای جاری او را برآورده می‌سازد، بلکه روایت خاصی را که وی برای هویت شخصی خویش برمی‌گزیند در برابر دیگران مجسم می‌کند (Lefebvre, 2002: 46). سبک زندگی کاملاً قابل مشاهده یا قابل استنتاج از مشاهده است. سبک زندگی شامل نظام ارتباطی، نظام معیشتی، تفریح و شیوه‌های گذران اوقات فراغت، الگوی خرید و مصرف، توجه به مد، جلوه‌های عینی‌شان و منزلت، استفاده از محصولات فناوری، نحوه استفاده از صنایع فرهنگی، نقاط تمرکز علاقه‌مندی در فرهنگ مانند دین، خانواده، میهن، هنر، ورزش و ... امثال آن می‌شود. (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۷۸-۴۶) محمد فاضلی در کتاب "مصرف و سبک زندگی" معنای این واژه را عبارت می‌داند از "طیف رفتاری که اصلی انسجام‌بخش بر آن حاکم است و عرصه‌ای از زندگی را تحت پوشش دارد و در میان گروهی از افراد جامعه قابل مشاهده است و الزاماً برای همگان قابل تشخیص نیست (فاضلی، ۱۳۸۲: ۵۲).

سبک زندگی مجموعه‌ای منسجم از رفتارها و کنش‌های افراد یک گروه از جامعه در یک دوره زمانی مشخص است. بنابراین آن را روش خاصی از زندگی نیز می‌دانیم. در ادبیات جامعه‌شناختی، سبک زندگی مجموعه رفتارهایی تعریف شده است که افراد یا گروه‌ها برمی‌گزینند و ممکن است نمایانگر نگرش‌ها و گرایش‌ها و وجه تمایز آنان از سایرین باشد (الف و سالمی، ۱۳۹۱: ۵۴). به بیان دیگر، مجموعه‌ها یا الگوهای خودآگاه و کاملاً توسعه‌یافته انتخاب‌های فردی در رفتار شخصی مصرف‌کننده است. به تعبیر بوردیو، سبک زندگی فعالیت‌های نظام‌مندی است که از ذوق و سلیقه فرد ناشی می‌شود و بیشتر جنبه عمیق و خارجی دارند و در عین حال به صورت نمادین، به فرد هویت می‌دهند و افراد گوناگون را از یکدیگر متمایز می‌کنند. از نظر آدلر، سبک زندگی یعنی کلیت بی‌همتا و فردی زندگی که همه فرایندهای عمومی زندگی، ذیل آن قرار دارند (برزگر، ۱۳۸۸: ۳۰).



گیدنز سبک زندگی را به مجموعه‌ای از رفتار تعبیر کرده است که فرد آن‌ها را به کار می‌گیرد تا نه فقط نیازهای جاری خود را برآورد، بلکه روایت خاصی را که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است در برابر دیگران نیز مجسم سازد (گیدنز، ۱۳۸۱: ۱۲۰).

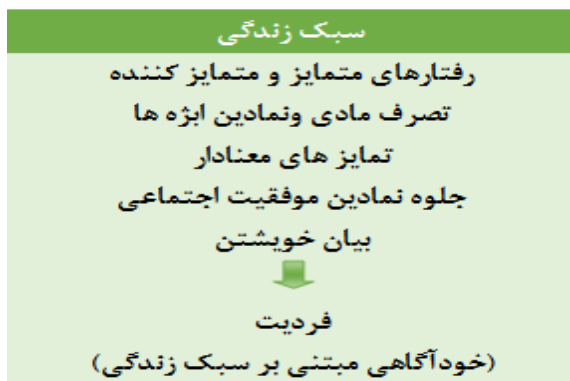
سبک زندگی به گفته شریفی شکل مدرن گروه‌بندی‌های اجتماعی و منبع هویت انسان است و مانند طبقه و قومیت به انسان معنی یا حس هویت می‌دهد. مثلاً برای فرد مهم است که مانند فلان شخصیت زندگی کند، دیوار خانه‌اش را فلان رنگ کند، یا تفریح خاصی داشته باشد. (شریفی، ۱۳۹۱: ۴۰)

سبک زندگی به مثابه مجموعه منسجمی از انتخاب‌ها، ترجیحات و رفتارهای مصرف‌گرایانه است (چاوشیان، ۱۳۹۰: ۲۴). نظریاتی که سبک زندگی درباره نوع مصرف کالا به ویژه کالاهای فرهنگی تعریف می‌کنند و نظریاتی که تعریف سبک زندگی را فراتر از الگوی مصرف می‌برند؛ تعاریفی را ارائه می‌دهند که نشان‌دهنده توجه به سامان کلی زندگی است و عرصه‌های مختلف زندگی چون کار، فعالیت سیاسی، فرهنگی و ... را نمادی از سبک زندگی می‌دانند (خادمیان، ۱۳۸۷: ۲۹-۲۴).

تعریفی که از سبک زندگی ارائه می‌شود بر حسب نگاهی که به انسان وجود دارد، متفاوت خواهد بود و نوع نگاه به انسان نیز خود در درجه اول منبعث از نوع نگاه و جهان‌بینی است که مکتب و آیین مسلط در جامعه ارائه می‌دهد و در درجه دوم، ناشی از شناختی است که خود انسان از کارکردها، ویژگی‌ها، شاخص‌ها، فلسفه وجودی و اهداف خویش از مبحث سبک زندگی انتظار دارد. پارنل و همکارانش معتقدند تعریف ساده سبک زندگی یعنی این که یک نفر چگونه زندگی می‌کند که خود عبارت است از این که فرد از چه محصولاتی استفاده می‌کند و چگونه از آن‌ها استفاده می‌کند. سبک‌های زندگی بیان برداشت فرد از خود و ارزش‌های فردی‌ای است که در انتخاب‌ها و رفتارهای مصرفی افراد بازتاب پیدا می‌کند. به بیان دیگر سبک‌های زندگی مظهر یا الگوهای رفتاری‌اند که به وسیله فعالیت‌ها، علایق و عقاید مصرف‌کننده تبلور می‌یابد (Parnel\_Johene\_Spillan, 2006: 92).

می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که به طور کلی، هرچند اصطلاح "سبک زندگی" در ارتباط با سبک زندگی مجزای یک گروه منزلتی اجتماعی، مفهوم جامعه‌شناختی محدودی دارد، اما در فرهنگ مصرفی معاصر معنایی ضمنی، معادل فردیت، بیان خویشتن و خودآگاهی مبتنی بر سبک پیدا کرده است و می‌توان آن را در جدول یک بسط داد.

جدول ۱: سبک زندگی نمادین



### ۱. ویژگی‌های سبک زندگی

با بررسی ویژگی‌های سبک زندگی به مفهوم‌های بهتری از سبک زندگی دسترسی پیدا می‌کنیم که می‌تواند ما را در درک بهتر سبک زندگی رهنمون شود:

- سبک زندگی، ترکیبی از صورت (سبک) و معنا (زندگی) است؛ رفتاری برآمده از باورها و پسندها و مبتنی بر دیدگاهی آگاهانه یا نیمه خودآگاه در فلسفه حیات است. این که شخص بندگی خاصی را آرزو می‌کند یا زندگی خاصی را به سخره می‌گیرد، نشان‌دهنده نظام ارزشی اوست و در انتخاب سبک زندگی بسیار تاثیرگذار است.

- مجموعه عناصر زندگی وقتی به سبک زندگی تبدیل می‌شود که به حد نصاب انسجام و همبستگی برسند و همخوانی و تناسب داشته باشند. برای مثال نوجوانی که هنوز شاکله هویت فکری، فرهنگی، اجتماعی وی کامل نشده و رفتارهای متنوعی دارد، دارای سبک زندگی نیست.

- در پدید آمدن سبک زندگی، اکثر عناصر اختیاری است؛ سبک زندگی باید انتخاب شود. اگر فردی در یک اردوگاه کار اجباری یا در اسارت و تحت فشار بیرونی، مجبور به رفتار براساس نوع خاصی از زیستن شود، سبک زندگی ندارد.

- سبک زندگی قابل ایجاد و قابل تغییر است؛ زیرا نوعی انتخاب شخصی و آیین فردی است. همان طور که پس از ورود امام رضا(ع) به طوس در مدت کوتاهی بسیاری از مردم شروع به تغییر سبک زندگی خود و الگوبرداری از ایشان کردند (عابدینی نژاد، ۱۳۹۰: ۱۲).

- جز در دوران کودکی که هنوز شخصیت فرد شکل نگرفته است، نمی توان انسانی را بدون سبک زندگی تصور کرد. در حقیقت هیچ کس بی ادب نیست؛ بنابراین چه خوب است که آگاهانه و از سر اختیار صورت زندگی خود را تعیین کرد (شریفی، ۱۳۹۱: ۳۱-۲۹).

- سبک زندگی به یک نوع هویت اجتماعی ختم می شود. از سوی دیگر، فرد براساس سبک زندگی آرام آرام به رفتارهایی عادت می کند و از درون شکل می گیرد. این موضوع باعث می شود که نظام ارزشی خاصی نیز برایش درونی شود.

- سبک زندگی در نهایت در سطح کلان اجتماعی، همگرایی و واگرایی را پدید می آورد. کسانی که سالها مثل هم زیسته اند، آرام آرام مثل هم فکر می کنند و حساسیتها و علاقه هایی مشترک خواهند داشت. این همگرایی از پیش تعریف نشده، به موضع گیری ها و قضاوت های اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی یکسان خواهد رسید؛ در نهایت یک قطب همنا یا قدرت اجتماعی پنهان شکل خواهد گرفت.

بنابراین یکی از ویژگی های سبک زندگی این است که مفید باشد؛ به عبارت دیگر نباید چیزی در سبک زندگی باشد که به ضرر فرد تمام شود. دیگر ویژگی مهم و خصیصه نهایی آن شکل دهی به زندگی فردی و اجتماعی است.

## ۲. ابعاد مطالعاتی سبک زندگی

همه اعضای جامعه از وجه فرهنگی از یک الگو، نظام هنجاری و قواعد رفتاری مشابه

پیروی نمی‌کنند و بر اثر تنوع و فراوانی به وجود آمده در دنیای مدرن، خرده‌فرهنگ‌های بسیاری درون هر نظام فرهنگی به چشم می‌خورد. خرده‌فرهنگ‌ها و الگوی رفتاری در گذشته و دوران سنت بسته به گروه‌های نژادی، قومی و طبقاتی متفاوت بود اما امروزه با افزایش روند تفکیک اجتماعی و تمایزها، دامنه این تکثر و تنوع بسیار گسترده‌تر و جامعه به گروه‌هایی تبدیل شده است، که هر یک از جنبه‌های باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها، آرمان‌ها و نیازها متفاوت و متمایز هستند (Bourdieu, 1998: 48).

این تمایزها در کنش‌ها، ذائقه‌ها، نیازها، درخواست‌ها و نهایتاً در سبک زندگی بروز و تجلی می‌کند. وجه دیگری از این تمایزهایی با سرمایه فرهنگی کنشگران تحلیل‌پذیر است که در قالب‌هایی همچون سبک آرایش مو، سلیقه موسیقایی، به کارگیری اصطلاح‌های خاص و... بروز می‌کند. در واقع هر واحد اجتماعی، الگوها یا سبک‌های متعددی برای زندگی، تعاملات اجتماعی و رفتارهای فرهنگی دارد. با وجود نقاط اشتراک فراوان میان این الگوها (چون در یک فرهنگ واحد و کلان قرار دارند) هر سبک زندگی، نشانه‌ها یا برجستگی‌های خاص خود را دارد که آن‌ها را از یکدیگر متمایز می‌کند.

بنابراین کنشگران ممکن است دست به ترکیب و تعامل با اجزای موجود در سبک‌های مختلف بزنند اما در نهایت باید هر یک از آن‌ها را در الگو یا سبکی خاص قرار داد. مبنای این طبقه‌بندی (تفکیک سبک زندگی افراد) نیز ممکن است عناصر اصلی و برجسته فرهنگی باشد که اشخاص از آن‌ها در زندگی فرهنگی خود بهره می‌برند.

در این میان در مجموعه تعاریف سبک زندگی به سه ویژگی متفاوت تأکید شده است (الفت و سالمی، ۱۳۸۱: ۵۳):

- ویژگی‌های زیبایی‌شناختی

- ویژگی‌های تمایزدهنده

- تجسم نوین یا ابعاد تجملی زندگی

و از طرفی براساس جنبه‌های مختلف بررسی شده توسط محققان، می‌توان ابعاد سبک

زندگی شامل موارد زیر دانست:

- استفاده از کالاها، خدمات و شیوه‌های به کارگیری آنها به ویژه موسیقی و رسانه
  - الگوی بدن (الگوی تغذیه، آرایش، ورزش، بهداشت، سلامت)
  - الگوی گذران اوقات فراغت، بازی و تفریح‌ها
  - الگوی پوشش
  - شیوه تعاملات و روابط اجتماعی، آداب معاشرت، شیوه گفتار و ادبیات
  - رفتار محیط زیستی
  - شیوه هویت‌سازی و چگونگی معرفی خود
  - الگوی ازدواج، همسرگزینی، روابط زناشویی و روش‌های تربیتی
  - عقاید، باورها، ارزش‌ها و گرایش‌های اجتماعی
  - کیفیت مشارکت‌های اجتماعی و مدنی
  - دارایی‌های فرهنگی (کتاب، اثاثیه، تزئین‌های خانه و...) و علایق هنری
- باید توجه کرد که ارتباط منسجم میان عناصر و ابعاد یک الگو، متفاوت است و بین آنها روابطی از گونه همسازی کامل تا فقدان همسازی (فقدان انسجام) دیده می‌شود (فاضلی، ۱۳۸۲: ۳۱).

### ۳. معیارهای ارزیابی جامعه‌شناختی سبک زندگی

با در نظر گرفتن این پیش‌فرض که در جامعه معاصر، کنشگران امکان انتخاب سبک زندگی خاصی را از میان الگوهای گوناگون و در دسترس، پیش روی خود دارند؛ بنابراین باید از یک میدان یا فضای رقابتی میان سبک‌های زندگی سخن گفت که در این میان الگوهایی موفق‌تر و مؤثرتر خواهند بود که معیارها و ویژگی‌های ذیل را دارند و فقط در این صورت توان رقابت راهبردی برای اجرا، استقرار و تداوم حضور در زمینه واقعی سبک زندگی را خواهند داشت. معیارهای مهم به این شرح است:

- جذاب بودن و توان ایجاد و بازتولید درخواست‌ها میان گروه‌های متفاوت سنی، جنسی، اقشار و... به طور مشخص "پذیرش عمومی" بسیار مهم است؛ این پذیرش یا "شرط اقناع" برای هرگونه از سبک زندگی، خود منوط به متغیرهای ساختاری، پایه‌ای و فرهنگی است. درواقع این معیار ممکن است مهم‌ترین شرط استقرار و رواج یک سبک ویژه زندگی باشد. همان‌طور که در دوران گذشته این جذابیت سبک زندگی رضوی را می‌توان در استقبال پرشور همه اقشار مردم و به ویژه نخبگان جامعه از امام<sup>(ع)</sup> در نیشابور (ابن بابویه، ۱۳۸۳، ج ۲: ۱۴۴) و نیز اشتیاق و هیجان طبقات مختلف اجتماعی در مرو، هنگام استقبال از ایشان برای برگزاری نماز عید (مفید، ۱۳۸۳، ج ۲: ۳۷۳) دید. در واقع مردم به استقبال از یک فرد نمی‌رفتند، بلکه به استقبال از سبک زندگی که ایشان با خود آورده بودند، می‌شتافتند.

- شامل تمام ابعاد سبک زندگی (فراغت، مصرف، سلامت و...) باشد و ضمن انسجام درونی میان عناصر خود قادر به پوشش ابعاد مختلف آن نیز باشد.

- ایجاد حق انتخاب: الگوهایی از سبک زندگی ممکن است نافذ و مداوم باشند (به لحاظ زمانی) که امکان‌پذیر را فراهم کنند، یعنی درون خود آن‌ها نیز امکان انتخاب بین روش‌های مختلف فراهم باشد و سایر نیازهای اشخاص را پاسخگو باشند. انعطاف‌پذیری شرط مهمی است که به واسطه آن امیال هدایت می‌شود. (ابراهیم حاجیانی، ۱۳۹۳: ۸) در گفتار و کردار امام هشتم<sup>(ع)</sup> نیز این توجه ویژه به اقتضاهای مکانی و زمانی و شرایط خاص اجتماعی را می‌توان به وضوح دید. از برخی بیانات آن حضرت می‌توان دریافت که در عصر ایشان، برخی از اقشار جامعه انتظار داشتند ایشان نیز مانند امیرمومنان علی<sup>(ع)</sup> لباس بپوشند و به سان ایشان زندگی کنند؛ ولی امام رضا<sup>(ع)</sup> با صراحت در پاسخ به آنان به تفاوت زمان‌ها و اقتضاهای هر زمان اشاره می‌کنند (طبرسی، ۱۳۷۱: ۹۸).

- تمایزبخشی: کنشگر امروز نیازمند آن است که به وسیله سبک زندگی خاص، تفاوت‌ها و ویژگی‌های منحصر به فرد خود را آشکارا به نمایش بگذارد. این ویژگی حتی در میان انواع سبک‌های زندگی دینی نیز ضروری است. چون جامعه دینی (و کنشگران دین‌محور)

نیز در درون خود با تنوع و تکثر رو به رو است. در واقع سبک زندگی باید بیانگر تجربه‌های اجتماعی خاص هر کنشگر نیز باشد. امام رضا<sup>(ع)</sup> نیز با اتخاذ روش خاص زندگی نشان دادند که آراستن ظاهر، نافی و ناقص زهد واقعی نیست و تا آن‌جا که آدمی دلبسته و فریفته ظواهر دنیا نشود، می‌تواند وضع لباس و خوراک و زندگی خود را متنعمانه اداره کند. (فضل الله، ۱۳۳۸: ۱۰۲) آنچه که در فرهنگ اسلامی به عنوان تمایزبخشی نکوهش شده، هر آن چیزی است که انسان را از یاد خدا غافل کند و رنگ و بوی معصیت داشته باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۴۰).

- توان ترکیب‌سازی: الگوهای موفق باید در بطن خود امکان آمیختگی با ویژگی‌های بومی، محلی و سنتی را داشته باشند.<sup>۱</sup> در این زمینه می‌توان به میزان محبوبیت امام رضا<sup>(ع)</sup> در میان مردم مرو و طوس اشاره کرد که طبرسی در این باره می‌گوید: «ایشان با وجود آن‌که فرسخ‌ها دورتر از خراسان زندگی می‌کرد و شناختی از فرهنگ ایرانیان نداشت؛ چنان آموزه‌های پدران را با فرهنگ این ملت درهم آمیخته که نمی‌توان تمایزی بین آن دو یافت» (طبرسی، ۱۳۷۱: ۱۴۷).

- پرهیز از الگوی صرفاً تجویزی یا دستوری: با توجه به شرایط جدید، الگوهایی از سبک زندگی امکان رقابت در این آشفته بازار را خواهند داشت که صرفاً دستوری و از بالا به پایین نباشد؛ بلکه در آن امکان تصمیم‌گیری فردی (یا همان گزینشگری و اختیار) فراهم باشد.

- الگوی مناسب سبک زندگی باید جذاب و از دیدگاه زیبایی‌شناختی رضایت‌بخش باشد و حتی توانایی مَدسازی (رفتارهای رایج در هر مقطع خاص زمانی) و ویژگی‌های ذوقی و

۱. شاید بتوان در این زمینه به یک قاعده کلی قرآنی اشاره کرد که در این مسئله هم می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد: «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمُ أُولُوا الْأَلْبَابِ؛ کسانی که به سخن (ها) گوش فرا می‌دهند و از نیکوترین آن پیروی می‌کنند، آنان کسانی هستند که خدا راهنمایی‌شان کرده و فقط آنان خردمندان هستند» (الزمر، ۱۸).

سلیقه‌ای در آن راه داشته باشد.

توجه به همین اقتضاهای اجتماعی باعث شد که امام رضا(ع) شانه زدن موها و محاسن، خضاب کردن موها، به دست کردن انگشتری و هر چیز دیگری را که بر آراستگی انسان می‌افزاید مورد توجه قرار دهند و دیگران را نیز بدان سفارش کنند (حسینی قزوینی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۹۸-۱۰۷) تا جایی که خود ایشان مرغوب‌ترین عطرها را سفارش می‌دادند (کلینی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۴۳۷).

### سبک زندگی اسلامی و پدیداری آن

سبک زندگی در حوزه مطالعات فرهنگی به مجموعه رفتارها و الگوهای کنش افراد که معطوف به ابعاد هنجاری و معنایی زندگی اجتماعی باشد، اطلاق می‌شود. طبیعی است که براساس چنین رویکردی، سبک زندگی علاوه بر این که ماهیت و محتوای خاص تعامل‌ها و کنش‌های خاص اشخاص در هر جامعه دلالت دارد و مبین اغراض، نیت‌ها، معانی و تفاسیر فرد در جریان عمل روزمره است، نشان‌دهنده کم و کیف نظام باورها و ارزش‌های افراد نیز خواهد بود (فاضل‌فانع، ۱۳۹۲: ۹). چنین برداشتی از مفهوم سبک زندگی، علاوه بر این که پشتیبانی جدیدترین دیدگاه‌های مطرح در این عرصه را به همراه می‌آورد (بورديو، ۱۹۹۳: ۲۸۶؛ گیدنز، ۱۹۹۰: ۱۲۰)، از قابلیت خوبی برای بومی‌سازی مفهوم سبک زندگی بر اساس اقتضاهای جامعه اسلامی برخوردار است.

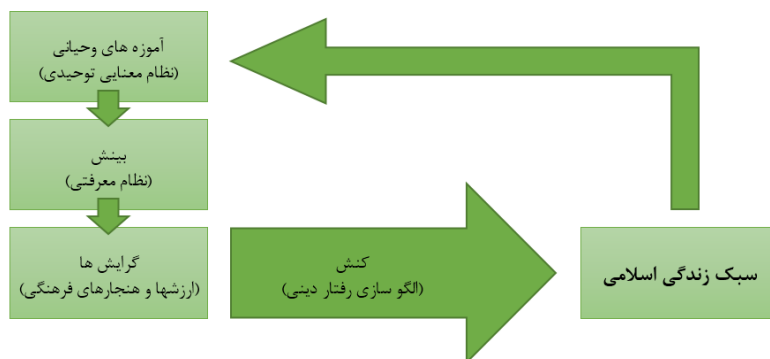
تمرکز اندیشمندان بر شاخص‌هایی چون الگوی مصرف، الگوی مربوط به شیوه تمرکز بر علاقه‌مندی‌ها، شیوه گذران اوقات فراغت، آداب معاشرت، سلامت، بهداشت و الگوی زندگی خانوادگی، نشان می‌دهد که مطالعات سبک زندگی حول یک محور عمومی با عنوان کلی "سلیقه" دور می‌زند (مهدوی‌کنی، ۱۳۸۶: ۲۱۶).

سلیقه امری ذهنی است که در قالب تمایل‌ها و ترجیح‌های رفتاری انسان جلوه‌گر شده و بدین ترتیب، فرهنگ و اجزای آن که امری کلی و عمومی به شمار می‌آید. در پرتو این



تمایل‌ها و ترجیح‌های برآمده از سلیقه، فردیت می‌یابد و هویت فرد را برای دیگران ترسیم می‌کند (بورديو، ۱۹۹۳: ۹۳). بدین ترتیب می‌توان فرهنگ یا خرده‌فرهنگ را خاستگاه سبک زندگی دانست (فاضل‌قانع، ۱۳۹۲: ۱۸۰)؛ اما روشن است که خود فرهنگ نیز متأثر از عوامل متعددی بوده که یکی از مهم‌ترین این عوامل، دین و آموزه‌های وحیانی است.

آموزه‌های دین به عنوان ابزار جامع هدایت و راهبري بشر، در بسیاری موارد حاکم بر ارزش‌ها، باورها و هنجارهای لازم برای جهت‌دهی و الگوبخشی به رفتار و کنش انسانی است. در واقع محدود نکردن دین به فهم زمانی خاص، اعتقاد به تکامل فرهنگی و سهمیم بودن اراده انسان در آن و تبیین درست ارتباط میان فرهنگ متغیر و دین ثابت، ما را به این دیدگاه رهنمون می‌شود، که دین و آموزه‌های دینی می‌تواند بخش مهمی از خاستگاه جامعه بشری را تشکیل دهد. پس در یک رابطه طولی، دین فرهنگ جامعه را شکل می‌دهد و فرهنگ نیز به نوبه خود، نظام و ساختار خاصی را برای زندگی فردی و اجتماعی تعریف می‌کند؛ این ساختار به عنوان سرچشمه و خاستگاه مجموعه درهم تنیده‌ای از الگوهای خاص برای زندگی، یک کل منسجم و متمایز را در قالب سبک زندگی پدید می‌آورد. البته سبک زندگی نیز به توسعه و نفوذ نظام معرفتی مبتنی بر آموزه‌های دینی یاری رسانده و تمایل‌ها و ترجیح‌های برآمده از فرهنگ دینی را بارور می‌کند.



نمودار ۱. پدیداری و گسترش سبک زندگی دینی در جامعه اسلامی

سبک زندگی از دیدگاه اسلام، به مجموعه‌ای از موضوعات مورد قبول اسلام در عرصه

زندگی اشاره دارد که براساس آن، معیار رفتار ما باید براساس اسلام و آموزه‌های اسلامی باشد. خدامحوری و حاکمیت ارزش‌های اسلامی در زندگی از مهم‌ترین معیارهای سبک زندگی مورد تایید اسلام است؛ در واقع در این سبک زندگی، زندگی فردی و اجتماعی افراد باید مبتنی بر اسلام و رهنمودهای قرآنی باشد. اسلام با احکام جاودانه خود، سبکی آرمانی و در عین حال واقع‌گرایانه را معرفی کرده است که مبتنی بر نگرشی متعالی بر هستی و انسان است و آدمی را موجودی مسئول و مختار می‌داند که سرنوشت او به دست خودش رقم می‌خورد (فیضی، ۱۳۹۲: ۳۶). در این سبک زندگی، غایت آموزه‌های دینی رهایی از سبک زندگی غیر اسلامی و دستیابی به حیات طیبه است (رجب‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۵). در سبک زندگی اسلامی، انسان به طور طبیعی مدلی را که بیشترین هماهنگی را برای دستیابی به قرب الهی دارد، در زندگی فردی و اجتماعی خود مطلوب می‌داند و تقرب به خدا و لقاءالله را هدف نهایی خود می‌بیند؛ از این رو همه شئون زندگی خود را، از عبادت تا کسب و کار، تحصیل، تفریح، معاشرت، بهداشت، خوراک، معماری، هنر، سخن گفتن، تولید، مصرف، آراستگی ظاهری و امثال آن را در مسیر این هدف قرار می‌دهد (شریفی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۵). به عبارت دیگر، دنیا زمانی که هدف اصلی آدمی قرار بگیرد و سبک زندگی او را به گونه‌ای شکل دهد که از مقصود اصلی آفرینش دور سازد، مذموم است؛ اما اگر مقدمه‌ای برای زندگی اخروی باشد، دارای ارزش مثبت خواهد بود. پس دلیلی ندارد که مومن خود را از نعمت‌های پاکیزه و حلال الهی محروم سازد، زیرا خداوند این نعمت‌ها را نیافریده که مومنان از آن محروم و کافران بهرمنند باشند، بلکه مومن به استفاده آن شایسته‌تر است (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۵۱: ۲۵۶). در همین باره نقل شده است که گروهی از صوفیان نزد امام رضا<sup>(ع)</sup> رفته و با کنایه گفتند:

مامون با اندیشه خود دریافت که شما اهل بیت<sup>(ع)</sup> از همه مردم برای پیشوایی امت سزاوارترید و از میان اهل بیت<sup>(ع)</sup> تو از همه شایسته‌تری. از این رو بر آن شد که امر خلافت را به تو بازگرداند. اکنون امت به پیشوا و رهبری نیاز دارد که جامعه اش خشن و طعماش

ساده باشد. بر الاغ سوار شود و از بیمار عیادت کند

اما امام<sup>(ع)</sup> که زهد را در این ظواهر نمی جستند، فرمودند:

یوسف که منصب پیامبری داشت قبای ابریشمی با دکمه‌های زرد می پوشید و در مجلس فرعونیان بر پستی‌های آنان تکیه می زد. وای بر شما! جز این است که از امام قسط و عدل خواسته شود ... همانا خداوند لباس یا طعامی را حرام نمروده است (قریشی کرین، ۱۳۹۴: ۱۲).

جوادی آملی (۱۳۹۱: ۶۰) یکی از اصول تعیین کننده رابطه انسان با خدا و محیط را تعامل متقابل میان رخدادهای نظام خلقت با اعمال و اخلاق مردم و نیز تأثیر عقاید، اوصاف و اعمال جامعه در پیدایش برخی حوادث و بلایای طبیعی می داند. شیوه و نحوه زندگی آن چنان که از نوشتار جوادی آملی (۱۳۹۱: ۶۳) برمی آید هدفدار و خدامحور است. او در این باره با تکیه بر آیه ۶۵ سوره ذاریات و ۶۱ سوره هود می گوید، خدا بشر را آفرید تا به عمران و آبادانی زمین پردازد و در بندگی او به سر برد. پس چنانچه خدا راه‌های بندگی را به بشر آموخت، راه‌های عمران زمین را نیز به او آموزش داد و این علم، به لحاظ خدادادی بودن هدفدار و خدامحور است. آبادانی زمین نیز به تعامل همه جانبه انسان و افراد با خود، هموعان، نظام اسلامی، حیوان، محیط زیست و احیای منابع حیاتی آن ممکن می شود. اموری همانند، کار و تلاش، بهداشت و خدمات عمومی، عبادی، آبادانی و سفر از مصادیق آن است. جوادی آملی (۱۳۹۱: ۲۰۱) با استناد به حدیثی از امام رضا<sup>(ع)</sup> می گوید، سلامت، توانایی، فراغت، جوانی، نشاط، بی نیازی و ثروت خود را فراموش نکن و با بهره گیری از آن‌ها در پی آخرت باش. نمونه‌ای از توجه به ابعاد مادی در کنار امور معنوی را می توان در حدیثی از امام رضا به نقل از امیرمومنان علی<sup>(ع)</sup> مشاهده کرد. ایشان می فرماید:

اوقات زندگی مومن به سه قسمت تقسیم می شود؛ بخشی از آن به مناجات با پروردگار، بخشی به محاسبه نفس و قسمتی نیز به لذات مشروع و زیبا اختصاص دارد. هیچ مومنی نیست مگر آن که تلاش‌های او در سه جهت قرار دارد؛ اقتصاد و معیشت که باید برای به دست آوردن آن سعی کند، همچنین قدمی که برای تامین آخرت خود برمی دارد و سوم،

توجه به لذت‌هایی که خداوند پرداختن به آن‌ها را مجاز دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۴۰۳).

همچنین امام رضا<sup>(ع)</sup>، اوقات فراغت را سرور و شادمانی و فرصت مناسبی برای طراوت روح و جان می‌داند. این حدیث شریف راهبرد مناسبی برای ترسیم سبک زندگی اسلامی برابر محققان قرار می‌دهد.

در یک جمع‌بندی، همچنان که مشاهده می‌شود در رویکردهای جدید به زندگی، اوقات فراغت مستقل از کار و خانواده دارای معنا و هویت‌ساز است. در حالی که در رویکرد دینی و اسلامی، آن چنان‌که از مباحث نظری اندیشمندان اسلامی و به طور خاص، از رویکرد جواد آملی برمی‌آید که آدمی در انتخاب‌هایش، آزاد نیست و "انسان بما هو انسان" دست به انتخاب و اقدام نمی‌زند؛ بلکه سبک زندگی، انتخاب شیوه عمل و چگونگی فعالیت‌های روزمره او باید در چهارچوب دین و توصیه‌ها و دستورات دینی و در هماهنگی کامل با کلیت عالم امکان باشد. بنابراین دین با ارائه جهان بینی و ایدئولوژی ویژه، زیربنای شکل‌دهی به زیست دین‌دارانه را می‌سازد که در آن، اسلام برخلاف سایر تعاریف که سبک زندگی را مادی و به زندگی انسان نگاه مادی دارند، سبک زندگی را منحصرأ مادی نمی‌داند. از طرفی اسلام یک نگاه جامع به سبک زندگی دارد که در عین توجه به زیربنای مادی زندگی آدمی، تعالی آن را و حیانی و رسیدن به سعادت اخروی می‌داند.

#### ۱. مولفه‌های سبک زندگی اسلامی

مطالعات معطوف به سبک زندگی هرچند از حوزه‌های نوپدید در علوم اجتماعی و مطالعات فرهنگی است اما آن چنان‌که با تازگی رهبر معظم جمهوری اسلامی ایران نیز بر آن تأکید کرده است، موضوع سبک زندگی می‌تواند به عنوان سرفصلی مهم در مطالعات، آسیب‌شناسی‌ها و سیاست‌گذاری آینده جوامع اسلامی و تمدن نوین ایرانی- اسلامی مطرح نظر قرارگیرد. به همین دلیل اگرچه سبک زندگی و تاثیرات آن در حوزه خانه و

خانواده و فردی عمومیت دارد، اما اکنون به عنوان یکی از مباحث فرهنگی مطرح و تحت بررسی است.

سبک زندگی دارای مولفه‌هایی در تولید، گسترش رفتارها و علایق است. در مطالعه سبک زندگی اسلامی، همان طور که از سیره امام رضا<sup>(ع)</sup> برمی‌آید، باید چند محور خاص را مورد مطالعه قرار دهیم؛ منظور اموری است که مصداق عینی سبک زندگی بر اساس مفاهیم اسلامی محسوب می‌شوند. شامل:

- وظایف فردی: وظیفه تفکر و علم‌آموزی، وظیفه عبادت و معنویت، وظیفه ایجاد ویژگی‌های درونی مناسب (اخلاق نگرش، خطوط اصلی و کلی برای یک مومن و ...)  
(کاویانی، ۱۳۹۲: ۳۰).

- وظایف خانوادگی: وظایف زناشویی، وظایف جنسی (بایدها و نبایدها، پرهیز از برهنگی و ...)، وظایف والدینی، وظیفه آسایش و فراغت (صله رحم، حل مشکلات آینده و ...)  
(همان).

- وظایف اجتماعی: تلاش در جهت تحقق امر به معروف و نهی از منکر در تمامی سطوح زندگی.

- وظایف اقتصادی: مشارکت در امور خیر اجتماعی، حفظ عزت اجتماعی افراد، حمایت از خیریه‌ها، ...

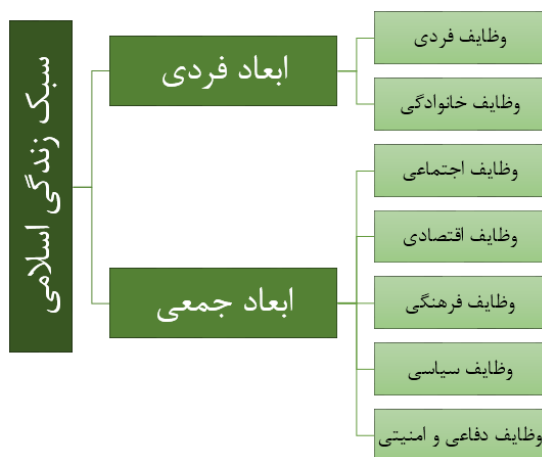
- وظایف فرهنگی: وظیفه فرهنگی که شامل تبلیغ و ترویج دین و فرهنگ اسلامی می‌شود.

- وظایف سیاسی: مشارکت سازنده در امور سیاسی در جهت بهبود زندگی جامعه اسلامی.

- وظایف دفاعی و امنیتی: مقابله با استعمارطلبان و مهاجمان به حریم مقدس اسلامی و نیز مقابله با تفرقه‌افکنان در جامعه اسلامی.

در واقع امام رضا<sup>(ع)</sup> راهکار خود برای زندگی مطلوب اسلامی را در بال‌های چندگانه

متصور می‌شود که بی‌توجهی و نادیده گرفتن هر یک از آن‌ها خسران به بار می‌آورد و راه به بیراهه می‌برد. چنانچه ایشان زندگی راهبان بودایی را به دور از شیوه مطلوب و انسانی می‌داند، چرا که گریز از مردم برای گریز از گناه شیوه مناسبی برای زندگی بشر نیست و هنر واقعی در پیشبرد همزمان تمامی جنبه‌های زندگی نهفته است (جوادی آملی ۱۳۹۱: ۲۴۱). به عبارت دیگر سبک زندگی اسلامی آن محصولی است که از ترکیب سامانمند تمامی ابعاد زندگی به وجود می‌آید. در نمودار ۲ می‌توان آنچه گفته شد را در یک انسجام کلی دید.



نمودار ۲. ابعاد و مولفه‌های سبک زندگی اسلامی

در نهایت می‌توان چنین گفت که پیامبر گرامی اسلام و اهل بیت گرامی ایشان به عنوان الگوی جامع برای سبک زندگی اسلامی، همواره وظایف فردی و وظایف جمعی را به یک اندازه مهم و قابل ارزش‌گذاری می‌دانستند؛ در این میان فرد مسلمان نیز با الگوبرداری از زندگی ایشان، باید بداند که رسیدن به کمال مطلوب در رسیدگی به همه وظایف زندگی نهفته است و در این میان پرهیز از افراط و تفریط در هرکدام از جنبه‌ها ضروری می‌نماید.

## ۲. روش‌های تبلیغ سبک زندگی اسلامی

علاوه بر آثار نوشتاری فراوان دربارهٔ حیات طیبه که سابقه طولانی دارد، باید به روش‌های خطابی (منبر و سخنرانی‌های عمومی) روحانیون و علما دربارهٔ الگوی زندگی دینی نیز

اشاره شود؛ زیرا تقریباً بخشی از همه سخنرانی‌های مذهبی در مساجد، هیئت‌ها، تکیه‌ها و... که به مناسبت‌های مختلف مذهبی برگزار می‌شوند به ارائه و بیان الگوها و سبک‌های زندگی دینی (البته بر پایه همان آیات و احادیث) اختصاص می‌یابد. هرچند در چند دهه اخیر و با افول ابعاد اجتماعی دینداری و کاهش حضور در مساجد و اجتماعات مذهبی، مخاطبان مستقیم پیام‌های دینی بسیار کاهش یافته است اما ایرانیان در مراسم دهه محرم، ماه رمضان و نیز مراسم سوگواری درگذشتگان شنونده این گونه سخنرانی‌های مذهبی هستند. از سوی دیگر با توجه به حاکمیت فضای دینی در رسانه ملی، انتشار انبوه و مداوم پیام‌های دینی در رسانه‌های رسمی به ویژه سینما با پخش سخنرانی‌ها و تصاویر (به صورت مستقیم) و آثار هنری مانند فیلم‌ها و سریال‌ها (به صورت غیرمستقیم) انجام می‌شود. البته تبلیغ سبک زندگی اسلامی و القا و انتشار سبک زندگی دینی در فضای رسانه‌ای و مجازی (اینترنت) و شبکه‌های ماهواره‌ای مذهبی نیز انجام می‌شود. برای نمونه از مجموعه رسانه‌هایی که کار تبلیغ دینی را به عهده دارند نام می‌بریم. پس از مقایسه این روش‌های تبلیغی، با این‌که فراوانی و فراگیری مخاطبان در آثار مکتوب با سایر روش‌ها متفاوت و بسیار کمتر است، اما احتمال اثرگذاری، نفوذ در رفتارها و کنش‌های مخاطبان و نهادینه شدن آن‌ها نسبت به سایر رسانه‌ها بسیار قوی‌تر است. نکته دیگر آن که آثار نوشتاری، خود ممکن است منبع یا مأخذ و مبنای سایر روش‌های تبلیغی قرار گیرد.

جدول ۲. انواع و ویژگی روش‌های انتشار سبک زندگی اسلامی

شکل انتشار پیام‌های سبک زندگی	آثار نوشتاری	تبلیغ و سخنرانی‌های مستقیم	تبلیغ غیر مستقیم رسانه‌ای	تبلیغ در فضای مجازی و ماهواره
فراگیری مخاطبان	بسیار محدود	متوسط	بسیار زیاد	متوسط
احتمال اثرگذاری به لحاظ تکنیکی	بسیار زیاد	کم	زیاد	زیاد

## بحث و نتیجه‌گیری

فرایند شکل‌گیری و تغییر در سبک زندگی به هیچ عنوان ساده نیست. عوامل بسیاری موجب پدیدآیی یک سبک و سپس اوج‌گیری یا نزول و خاموشی یک سبک در زندگی و اجتماع می‌شوند. این عوامل تا حدودی خارج از کنترل دولت‌هاست و به شدت تحت تأثیر تغییرات فرهنگی و اجتماعی و تحولات در انگیزش‌ها، رجحان‌ها و الگوهای رفتاری تک‌تک افراد یک جامعه است. سبک زندگی هر چند ابتدا، موضوعی مبتنی بر انتخاب‌های فردی و متکی بر هویت‌های شخصی است، اما آن را به ویژه در مرحله عمومی شدن نمی‌توان بی‌توجه به بافت اجتماعی و فرهنگی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. در سطح خرد شخصیت و خصوصیات زیستی و روانی فرد، خانواده، دوستان و مدرسه و دانشگاه و دین بر زندگی روزمره و سبک و شیوه زندگی فرد اثرگذارند. در سطح کلان فضای زندگی در شهر و جهان پیرامون، رسانه‌ها، فضای پر تحرک اجتماعی و سیاسی و جو فرهنگی جامعه بر سبک زندگی و تغییرات آن مؤثر واقع می‌شود. روند شکل‌گیری و نفوذ سبک زندگی این چنین است که از یک سو، تک‌تک افراد جامعه سبکی را برمی‌گزینند و بر آن اصرار می‌ورزند تا تبدیل به یک هنجار شود و از دیگر سو به محض این که سبکی به هنجار تبدیل شد و قدرت گرفت با فشار جامعه را با خود و روش خود همراه می‌کند. تا این که در اثر تحولات فردی و اجتماعی، سبکی دیگر به تدریج قدرت می‌گیرد و سبب خاموشی و مرگ سبک دیگر و یا جایگزین آن می‌شود. در این میان، کنش و رفت و برگشت مستمر میان فرد و جامعه، به تدریج سبک‌هایی را برپا می‌کند و گسترش می‌دهد و سبک‌هایی را به زیر می‌کشد و به فراموشی می‌سپارد.

در طی پرسشنامه‌ای که با جامعه آماری شهر تبریز و نمونه ۳۰۰ نفری از میان جامعه استادان جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، روان‌شناسی محیطی، علوم دینی، معماری و شهرسازی شهر تبریز به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته شد که با بسط نتایج پرسشنامه به جامعه مذهبی شهر تبریز زمینه‌های تأثیر سبک زندگی غربی بر جامعه ایرانی قابل بررسی بود. براساس



نتایج حاصله از آن می‌توان بروز تحولات مهم فرهنگی زیر را که در جامعه ایرانی مشهود است، به شکل زیر دسته‌بندی کرد:

- بی‌شکلی جامعه مدرن، نظام‌گریزی، بی‌اصالتی و گشودگی آن
  - تغییر گرایش‌های ارزش و رشد علم‌گرایی و عقلانیت‌ابزاری
  - تغییرات در سبک زندگی، الگوی ازدواج، تفریح و...
  - فردگرایی، لذت‌گرایی، مصرف‌گرایی، تغییر اوقات فراغت
  - جهانی شدن و جهان‌وطنی، ارزش‌های جهان‌وطنانه
  - رواج انواع دینداری‌ها، تضعیف ادیان تاریخی، ویتترین ادیان
  - بهره‌گیری سرمایه جنسی و سیاست بدن
  - افزایش حس آزادی و اختیار در زندگی
  - شهری شدن، صنعتی شدن و تکنولوژی: کاهش نظارت‌های بومی و محلی
  - تضعیف نهاد خانواده و خویشاوندی: رابطه عاطفی عشق‌محورانه
  - پافشاری بر انتخاب و اختیار افراد
  - رشد سکولاریسم (دین فردی)
- مجموعه این تحولات در بندهای زیر خلاصه شده است:
- فردگرایی و تغییر شبکه روابط سنتی در خانواده.
  - تکثر فرهنگی و رشد قبیله‌گرایی‌های نوین، افزایش شکاف‌های اجتماعی فرهنگی، رواج هرج و مرج، تنوع‌طلبی، تمایزطلبی و ایجاد جهان‌زیست‌های مختلف.
  - رواج لذت‌گرایی، فراغت‌جویی، ارضاطلبی و مصرف‌گرایی.
- ناگفته پیداست که این تحولات متأثر از جهانی شدن، رسانه‌ای شدن، رشد فناوری‌های جدید و در مجموع مدرن شدن جامعه ایرانی است.

### ۱. ارزیابی توان رقابتی سبک زندگی اسلامی

در این میان برای ارزیابی توان رقابتی سبک زندگی اسلامی و ویژگی‌های کنونی آن در جامعه ایران می‌توان نکات زیر را خاطر نشان کرد:

- منابع منتشرشده در باب سبک زندگی اسلامی در نقش نمونه‌هایی از ادبیات سبک زندگی دینی بیشتر ابعاد و شاخص‌های سبک زندگی را پوشش می‌دهند اما پاسخگوی همه نیازهای نسل امروز جامعه ایرانی نیستند.

- پذیرش عمومی سبک زندگی اسلامی متأثر از سطح دینداری جامعه ایرانی است و البته در شرایط کنونی ابعاد مختلف دینداری در جامعه ایران پرنفوذ و قوی است (برای نمونه ن.ک: حاجیانی، ۱۳۹۱)

- با توجه به تنوع دینداری در جامعه ایران، به نظر می‌رسد الگوهای سبک زندگی دینی تنوع و تکثر لازم را ندارد.

- سبک زندگی دینی ارائه شده در آثار نوشتاری، زمینه و مکان مشخصی بین معتقدان و وفاداران به آن (سبک زندگی دینی) ندارد. البته در واقعیت و کنش عینی، با تنوع سبک زندگی میان دینداران رو به رو هستیم.

- ترکیب و همسازی سبک زندگی دینی با شرایط بومی و محلی و حتی هم‌زیستی با عناصر فرهنگ مدرن امکان‌پذیر است اما از دیدگاه نظری فاقد این صفت هستند.

- الگوی دینی سبک زندگی، اغلب وجه تجویزی و توصیه دارد.

- الگوی دینی سبک زندگی، اساساً جذابیت‌هایی برای جامعه دینی داشته است اما برای زندگی امروزی نیاز به ارائه تفاسیر و برداشت‌های جدیدی دارد.

### ۲. ارائه راهبرد

برخلاف رویکرد کلاسیک جامعه‌شناسان که به توصیف سبک زندگی جاری افراد و گروه‌های اجتماعی بسنده می‌کنند، با الهام از روش‌های برگرفته از آموزه‌های دینی می‌توان

گامی فراتر از توصیف نهاد و با تکیه بر اصول ثابتی که به اعتقاد ما در آموزه‌های اسلامی وجود دارد، چارچوبی ارائه کرد که در محدوده آن به تجویز پردازیم، یعنی با دخالت دادن مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌ها، به ترسیم و شکل‌گیری سبک خاص زندگی کمک کنیم. این رویکرد دقیقاً همان شیوه‌ای است که امام رضا<sup>(ع)</sup> مطرح کرده است. ایشان از ابزار حاکمیت باورها و ارزش‌های دینی برای ایجاد دگرگونی در سلیقه و شیوه انتخاب مردم بهره می‌گرفتند، تا آن‌ها با رضایت خاطر به اصلاح الگوهای سبک زندگی خود اقدام کنند. از جنبه راهبردی، استقرار، شمولیت بخشی و نفوذ بیشتر سبک زندگی اسلامی در جامعه امروزی ایران، تا اندازه زیادی، مشروط به ایجاد تنوع و تکثر در سبک زندگی دین‌مدار و مؤمنانه است. در ابتدا، این گزاره با یک مانع یا مشکل ذهنی مهم رو به روست و آن این‌که برمبنای قواعد پذیرفته شده فقهی و کلامی، دین یک مجموعه منسجمی است که امکان تغییر و تنوع بخشی در آن راه ندارد و حلال و حرام و مباح در آن ابدی و ثابت است. در پاسخ باید گفت براساس بررسی‌ها سیره عملی پیامبر و اهل بیت ایشان در مواجهه با اصحاب خود نیز نشان می‌دهد<sup>۱</sup> که ایشان، اختلاف سبک را می‌پذیرفتند؛ از طرفی دیگر فقط یک مجموعه از قواعد و اصول کلی دین اسلام در همه جوامع، گروه‌ها و اقشار ثابت‌اند، اما رفتار و تظاهرات دینی و ایمانی، کیفیت اجتماعی دینی و آداب و اصول اخلاقی (حتی از دیدگاه دینی) براساس شرایط جغرافیایی، فرهنگی، قومی، زبانی، نژادی، تنوع دارند و به اصطلاح "زمینی" شده‌اند. بدین معنا که دینداران و متشرعان برحسب شرایط و اوضاع ساختاری و متغیرهای زمینه‌ای هر یک سبک و شیوه‌ای خاص از دینداری و زندگی مبتنی بر وحی را پیش گرفته‌اند. پس تنوع در سبک زندگی در جوامع اسلامی (در سطح کلان) واقعیتی پذیرفته شده و ملموس است که با آن رو به رو بوده و هستیم.

۱. تفاوت‌های موجود در سبک‌های زندگی و الگوهای رفتاری ابوذر و سلمان که پیامبر<sup>(ص)</sup> میان آن‌ها عقد برادری بسته و هردو را بارها مورد تمجید قرار داده بودند، نمونه خوبی است. ما در هیچ جا نمی‌بینیم که به ابوذر توصیه کرده باشند همچون سلمان زندگی کند یا برعکس و از طرفی روایت شده که اگر ابوذر از قلب سلمان آگاه می‌شد بی‌شک او را نفی می‌کرد (کلینی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۴۵۵).

پس ارزش‌ها و نگرش‌های همسان، لزوماً به سبک زندگی یکسان نمی‌انجامد و با توجه به ویژگی انتخابگری که در سبک زندگی وجود دارد، می‌توان هر مجموعه منسجمی از الگوهای برآمده از آموزه‌های دینی را که در چارچوب معین شده دین اسلام قرار داشته باشد، یک سبک زندگی اسلامی به شمار آورد. مهم آن است که در فرایند تعامل تمایل‌ها و منابع، از این چارچوب خارج نشویم که البته در این زمینه توجه به گروه‌های مرجع کارگشا خواهد بود.

گروه‌های مرجع دو کارکرد اصلی دارند: اول آن‌که هنجارها، رویه‌ها، ارزش‌ها و باورهایی را به دیگران القا می‌کنند و دیگر آن‌که معیارهایی را در اختیار کنشگران قرار می‌دهند تا کنش و نگرش خود را بتوانند براساس آن محک بزنند.

بنابر آن‌چه گفته شد در سطح جامعه ایرانی نیز تنوع دادن به سبک‌های زندگی دینی در نقش گزینه‌ای راهبردی در نظر گرفته می‌شود. به این ضرورت به دو دلیل مهم باید توجه شود:

#### تکثر و تنوع موجود در جامعه ایران

تکثر، تنوع و تفاوت‌هایی که از درون جامعه مدرن سر برآورده موجب فعال شدن شکاف‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی شده است. بنابراین با جامعه‌ای مملو از انواع گرایش، اقشار و گروه‌های اجتماعی رو به رو شده‌ایم که هر یک از جنبه روان‌شناسی اجتماعی، رفتار گروهی (یا جمعی)، ساختار و سلسله مراتب، اهداف، خواست‌ها، نیازها، عقاید و نگرش‌ها کاملاً یا تقریباً متفاوت‌اند و حتی اختلاف دارند. پذیرش اصل تنوع به عنوان یک واقعیت پیش رو، تنوع بخشی در سبک زندگی را موجب می‌شود و این موضوع به تدریج، ضرورت تنوع‌یابی و تنوع‌بخشی در سبک‌های زندگی مؤمنانه را نیز طبیعی و بدیهی می‌نمایاند. مگر آن‌که وجود تنوع و تکثرهای موجود را انکار کنیم یا بر آن باشیم که با وجود این تنوع کلیت جامعه ایرانی را در یک الگو یا سبک زندگی دینی ثابت قرار دهیم

که البته هر دو فرض نادرست و دور از واقع است و رواج و تحقق سبک زندگی دینی را به تأخیر انداخته یا ناممکن می‌کند. پذیرش این تنوع در سبک زندگی دینی به معنای پذیرش برخی اصول کلی مشترک (شاید در حد اصول دین و مصالح مشترک ملی و فرهنگ بومی) و امکان تکثیر یا مجاز دانستن تنوع در غیر از آن است. اکنون شبهه یا مسئله "دین حداقلی" و "دین حداکثری" بیان می‌شود که باید بدان پاسخی روشن بدهیم.

#### تنوع در دینداری

بر مبنای پژوهش‌های متعدد جامعه‌شناختی، در جامعه کنونی ایران با انواع الگوهای دینداری رو به رو هستیم و این به سبب قوّت و پایداری دین در جامعه ایرانی است. یعنی حذف یا حداقل شدن دین در زندگی اجتماعی ممکن نبوده است. (مانند تجربه اروپائیان) بنابراین دینداری به اشکال و گونه‌های مختلفی درآمده است. تقسیم‌بندی‌های ارائه شده بسیارند اما در یک دامنه، از انواع دینداری شناسنامه‌ای، سنتی، سیاسی شده مدرن (یا تلفیقی) تا سکولار بازشناسی می‌شود که از قضا این گونه اخیر در دوره معاصر روبه رشد بوده است. بنابراین با یک جامعه دینی (دینداران) مواجه‌ایم که شیوه‌های مختلف دینداری را در پیش گرفته‌اند. از سوی دیگر باید در نظر داشت که سبک زندگی برای جامعه دینداران ارائه می‌شود و تکلیف افراد با گرایش‌های کاملاً لائیک، در این بازار روشن است (یعنی آن‌ها اساساً خواستار و علاقه‌مند به هیچ نوع سبک زندگی دینی نیستند). زمینه اصلی برای پذیرش سبک زندگی اسلامی، وجود کمترین گرایش‌های دینی و مذهبی در جامعه مخاطب است. حال باید برای بروز و ظهور انواع سبک‌های دینداری و شرایط فرهنگی، ذهنی و رفتاری هر فرقه از دینداران، به سوی تنوع‌بخشی به الگوهای سبک زندگی دینی حرکت کرد و چاره‌ای جز انتخاب این راهبرد نیست.

صرف‌نظر از دو استدلال بیان شده، باید روشن کرد که اساساً جامعه ایرانی به دلیل تنوع ذاتی موجود در آن و شرایط تاریخی مانند هر جامعه دیگر، خود به خود و طبیعی،

به سوی الگوهای متنوع سبک زندگی حرکت کرده است؛ چنانچه یک تشابه کامل بین برگزاری اعیاد و مراسم مذهبی یا کیفیت اجتماع‌های مذهبی و حتی رفتارهای دینی بین مسلمانان شیعه شهر نیشابور با مسلمانان ساکن بوشهر وجود ندارد. بنابراین بیان این ایده به معنای درافکندن طرحی نو نیست و جامعه ایرانی خود پذیرای سبک‌های مختلف زندگی دینی بوده است. اما هدف از بیان این موضوع، تلاش برای نوعی تأیید و پذیرش رسمی وجود این تنوع از سوی مراجع دینی و پرهیز و خودداری مراجع رسمی کشور از حرکت به سوی یکسان‌نگاری یا یکسان‌سازی سبک زندگی دینی جامعه ایران و تلاش برای تدقیق و تصحیح و تکمیل متون دینی جدید است که بزرگان حوزوی و دلسوزان فرهنگ دینی در آینده انجام خواهند داد. بدین معنا که باید محققان حوزوی بکوشند تا به عناصر و آموزه‌هایی از احادیث و روایات و آیات توجه کنند که توانایی و اختیار (مختار بودن مؤمنان) را برای دینداران فراهم می‌کند؛ به گونه‌ای که انواع یا سبک‌های مختلف حیات طیبه را به جامعه دینی ارائه دهند. برای ارتقای کیفی و نیز کمی مبحث سبک زندگی محققان در زمینه تبیین سبک زندگی اسلامی براساس متون قرآنی و نیز زمینه‌های نفوذ سبک زندگی غربی و امکان مقابله با آن را در پژوهش‌های خود مدنظر قرار دهند که در این مورد بررسی دوران طلایی زندگی امام رضا<sup>(ع)</sup> در ایران به دلیل تعاملات فرهنگی خاصش می‌تواند بسیار کارگشا باشد. ناگفته پیداست که "امکان" و "تحقق" این شرایط منوط به در نظر گرفتن واقعیات و شرایط عینی اجتماعی فرهنگی جامعه ایرانی خواهد بود. از جمله این شرایط، انطباق و نزدیک کردن مشکل اصلی برای تعمیق و تعمیم الگوی اسلامی سبک زندگی، با تنوع دینداری در جامعه ایران است. برای حل این مسئله یا مشکل شاید گفتمان احیا و نیز روشنفکری دینی که در آثار برخی از روشنفکران دینی بیان شده است توانایی پاسخگویی به سبک زندگی دینی را داشته باشد و آن نیز به واسطه نفوذ و پایگاه اجتماعی آثار روشنفکران دینی در جامعه ایرانی امکان‌پذیر می‌شود. هرچند در این آثار اغلب گرایش‌های معنوی-اخلاقی بیشتر شده است.

## منابع و مأخذ

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶)، *الگوهای سبک زندگی در ایران*، در ابراهیم حاجیانی، *الگوهای سبک زندگی ایرانیان*، ج ۲، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام: ۳۴-۱۵.
- اباذری، یوسف و چاوشیان، حسن (۱۳۸۱)، «از «طبقه» تا «سبک زندگی»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲: ۲۷-۳.
- ابراهیم آبادی، حسین (۱۳۸۸)، «الگوی استفاده از اینترنت»، فصلنامه *تحقیقات فرهنگی*، دوره دوم، شماره ۷: ۹۷-۱۱۸.
- الفت، سعیده و سالمی، آزاد (۱۳۹۱)، *مفهوم سبک زندگی*، فصلنامه *مطالعات سبک زندگی*، شماره ۱۲: ۸۱-۹۴.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۵۱)، *تحف العقول عن آل الرسول<sup>(ع)</sup>*، بیروت: للمطبوعات.
- باکاک، رابرت (۱۳۸۱)، *مصرف*، ترجمه خسرو صبوری، تهران: انتشارات شیرازه.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۸۸)، *روانشناسی سیاسی*، تهران: سمت.
- بوردیو، پیر (۱۳۸۰)، *نظریه کنش: دلایل عملی و عقلانی*، ترجمه مرتضی مردیها، تهران: انتشارات نقش و نگار.
- تافلر، الوین؛ تافلر، هایدی (۱۳۹۰)، *ثروت انقلابی*، ترجمه امیررحیمی، تهران: نشر ماهی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، *مفاتیح الحیة*، قم: مرکز نشر اسرا.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۱)، *الگوهای سبک زندگی ایرانیان*، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۳)، *جامعه‌شناسی هویت ایرانی*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- حسینی قزوینی، سید محمد (۱۳۸۷)، *موسوعة الامام الرضا<sup>(ع)</sup>*، قم: مؤسسه ولی العصر (عج) للدراسات الإسلامية.
- حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، محمد و علی حکیمی (۱۳۹۴)، *الحیة*، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خادمیان، طلیعه (۱۳۸۷)، *سبک زندگی و مصرف فرهنگی (مطالعه‌ای در حوزه جامعه‌شناسی فرهنگی و دیباچه‌ای بر سبک زندگی فرهنگی ایرانیان)*، تهران: موسسه فرهنگی هنری جهان کتاب.
- خطیبی، حسین و ابوالفضل ساجدی (۱۳۹۲)، «مروری بر شاخص‌های سبک زندگی اسلامی»، ماهنامه *معرفت*، سال ۲۲، شماره ۳: ۲۵-۱۳.
- رجب‌نژاد، محمدرضا؛ یحیی حاجی، امیرمهدی؛ طالب و سعید رجب نژاد (۱۳۹۲)، *بررسی نسبت سبک زندگی اسلامی از منظر حیات طیبه در قرآن، سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت*، سال ۱، شماره ۱:

۹-۲۱.

- شریعتی، سید صدرالدین (۱۳۹۲)، درآمدی بر سبک زندگی اسلامی در آیات و روایات، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی، سال ۴، شماره ۱۳: ۱۰-۱.
- شریفی، احمد حسین (۱۳۹۱)، همیشه بهار (اخلاق و سبک زندگی اسلامی)، تهران: نشر معارف.
- شولتز، دوان (۱۳۸۳)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه: کریمی و همکاران، تهران: نشر ارسباران.
- صدر، سید موسی (۱۳۷۹)، اسلام و فرهنگ قرن بیستم، مترجم علی حجتی کرمانی، تهران: کتاب آوند دانش.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۱)، مکارم الاخلاق، قم: شریف رضوی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵)، تاریخ الطبری، بیروت: للمطبوعات.
- عابدینی نژاد، یعقوبعلی (زمستان ۱۳۹۲)، «سبک زندگی و شخصیت اخلاقی امام رضا<sup>(ع)</sup>»، مجله فقه و تاریخ تمدن، سال ۱۰، شماره ۳۸: ۴۹-۳۷.
- فاضل قانع، حمید (۱۳۹۲)، سبک زندگی براساس آموزه‌های اسلامی، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما قم.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲)، مصرف و سبک زندگی، قم: نشر صبح صادق.
- فضل‌الله، محمدجواد (۱۳۸۵)، الامام الرضا<sup>(ع)</sup> تاریخ و دراسة، قم: نشر الاسلامی.
- قرلسفلی، محمدتقی و فرخی، سمیه (بهار ۱۳۸۲)، جهان زیست ایرانی و تأثیر آن در نهادمندی سبک زندگی، فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، شماره ۲: ۳۵-۱۱.
- کجیاف، محمدباقر (۱۳۹۰)، رابطه سبک زندگی اسلامی با شادکامی و رضایت از زندگی، ماهنامه علمی تخصصی صدای جمهوری اسلامی ایران، سال ۱۱، شماره ۷۰: ۲۹-۲۲.
- کلاهی، محمدرضا (۱۳۸۱)، دینداری و جهانی شدن، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۲۵: ۳۵-۱۴.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۲)، اصول کافی، تهران: اسوه.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- مفید، محمدبن نعمان (۱۳۸۳)، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ترجمه و شرح: هاشم رسولی محلاتی، تهران: فرهنگ اسلامی.
- مهدوی کنی، محمدسعید (۱۳۸۶)، دین و سبک زندگی، تهران: انتشارات امام صادق<sup>(ع)</sup>.



California: Stanford University press.

Giddens, A (1995), *Modernity and Self Identity: Self and Society in the Late Modern Age*. Stanford, California: Stanford University Press.

Katouzian, H (2004), The Short-Term Society: A Study in the Problems of Long-Term Political and Economic Development in Iran, *Middle Eastern Studies*, Vol. 40 No. 22 - 1 : 1.

Lefebvre, H (2002), *Everyday Life in the Modern World*. London, New York: Continuum.

Lin, N (2004), *Social Capital: A Theory of Social Structure and Action*. Cambridge University Press.

Mirsepasi, A (2000), *Intellectual discourse and politics of modernization: negotiating modernity in Iran*. United Kingdom: Cambridge University Press.

